

متنی بی همتا در عرفان اسلامی

● محمد کاظم رحمتی

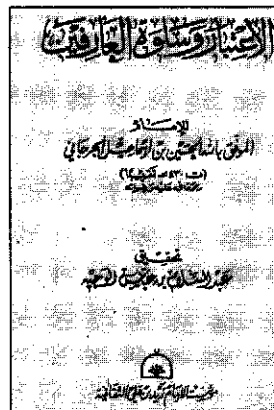
در تاریخ تصوف خراسان و مشایخ صوفی آن جایگاه ممتازی دارند، به نحوی که تقریباً یافتن متنی عرفانی که خالی از اشاره به عارفان خراسانی باشد بسیار دشوار است.^۱ اما آنچه که در این میان جالب توجه می‌نماید توجه عالمان زیدی به آثار صوفیان خراسانی است.^۲ با وجودی که سنت تألیف آثار عرفانی در میان زیدیه نخست در قرن زیدیه عراق آغاز شد،^۳ مهمترین آثار عرفانی زیدیه را نخست عالمان زیدی ایرانی در قرن چهارم و سپس زیدیان یمن در قرن ششم به بعد تألیف کرده‌اند.^۴ تشکیل حکومت زیدیه در مناطق جبال، باعث تشدید روند مهاجرت عالمان زیدی به نواحی جبال و ری شده روندی که در پی فشار فرولان خلافت عباسی از دوران خلافت هارون الرشید آغاز شده بود. مهمترین اثر این مهاجرت‌ها، ورود اسلام زیدی به این مناطق است. بخش‌هایی که تا قرن سوم به دلیل شکل خاص جغرافیایی مناطق جبال، اسلام نفوذ چندانی در آنجا نیافته بود.^۵ قدرت‌یابی آل بویه و محیط پرنشاط شهر ری که در دوران وزارت صاحب بن عبد (متوفی ۳۸۵ ق) به اوج و رونق خود رسیده بود به دلیل گرایش‌های زیدی آل بویه و صاحب بن عبد، به مرکزی مهم برای زیدیان تبدیل شد. هر چند پیش از قدرت گیری آل بویه عالمانی زیدی در این شهر سکونت داشتند.^۶

یکی از عالمان زیدی منطقه جبال، الموفق بالله حسین بن اسماعیل بن زید بن حسن بن جعفر بن حسن بن محمد بن جعفر بن عبدالرحمن شجری بن قاسم بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی‌طالب شجری جرجانی پدر امام و عالم زیدی المرشد بالله یحیی بن حسین شجری (متوفی ۴۹۹ ق) است.^۷ درباره تاریخ تولد وی اطلاعی در دست نیست و فقط با حدس و گمان‌هایی می‌توان تاریخ تولد او را نیمه نخست قرن چهارم هجری دانست. موید این گمان اشاراتی از فقیه و متکلم معاصر زیدی شجری، یعنی ابوالقاسم علی بن محفوظ بستی (متوفی ۴۲۰) است که در کتاب ارجمند خود، المرآة به شجری اشاراتی کرده است.^۸

بستی در بخش پایانی کتاب المرآة خود، فصلی را به ذکر سادات علوی حسنی و حسینی اختصاص داده و در زمره سادات حسنی، در اشاره به شجری نوشته است: «و نحن عندها فی من بعد فی الشیبه من ولد بین الحسن بن علی و بین زید بن علی، و هو فی النحو و الاثاب بارع، و هو فی الشعر مقدم و فی الخطب فی اعلی رتبه و فی الکتابه و الخطاب من یدکر بالبلاغه و الفصاحه. ثم هو فی علم الکلام و اصول الدین اعلم من کل متجرد للفقّه من علماء الامه و من تلبس فی القضاء ثم هو اعلم بأصول الفقّه منهم، ثم قرأ فقّه الشافعی علی الشافعیه و فقه ابی حنیفه علی اصحاب ابی حنیفه و علق کل فئه علی حتمه ثم احاط علماً بالفاظ الاممه و سادات العتره فی فروع الشریعه و من احب ان یعلم محله فلینظر فی مصنفاته، حتی یعلم مصداق ما تقول و هو السید الجلیل ابو عبدالله الحسین بن اسماعیل الجرجانی...»^۹

از توصیف سنی که بستی درباره شجری آورده است (من بعد فی الشیاب)، حداکثر سن شجری نباید بیشتر از سی سال باشد و در صورت داشتن تاریخ تألیف کتاب المرآة

اشاره از موضوعاتی که تا به حال تحقیقات مهمی نیز درباره آن انجام شده، شکل گیری و تکوین مکاتب عرفانی خراسان است. البته در این تحقیقات، توجه اصلی محققان فقط به متون صوفیانه باقی مانده از این دوره به ظم عارفان و صوفیان متنی خراسانی بوده است. چاپ کتاب بی همتا، الاعتبار و سلوة العارفين از عالم و فقیه نامور زیدی الموفق بالله حسین بن اسماعیل شجری جرجانی (متوفی حدود ۳۳۰) گرچه متنی عارفانه و با تأثیرات کاملاً تصانیف از عرفان خراسان است، به دلیل زیدی بودن مؤلف آن ویژگی‌های خاصی دارد که شایسته توجه است. این کتاب علاوه بر نقل اقوال فرولان از عارفان برجسته خراسانی، یکی از متون مهم تألیف شده قبل از سینه رضی (متوفی ۲۰۶) است که مؤلف آن به جمع‌آوری و تدوین سخنان امیرمؤمنان علی علیه‌السلام نیز توجه فراوانی نشان داده است. نکته بسیار مهم، نقل اغلب مسند خطبه‌ها و سخنان حضرت است که اهمیت و اعتبار این کتاب را دو چندان می‌کند. نوشتار حاضر مروری بر این کتاب و تذکراتی درباره اهمیت آن است.



- الاعتبار و سلوة العارفين
- الموفق بالله حسین بن اسماعیل شجری جرجانی
- عبدالسلام بن عباس الوجیه
- مؤسسه امام زیدبن علی

حسن بن محمد نعیمی (متوفی ۴۲۳ ق) را باید نام برد که شجری روایت فراوانی را از طریق این عالم شافعی از ابوالحسن حسن بن عبدالله بن سعید عسکری (متوفی ۳۸۲ ق) و کتاب بسیار مهم وی، الزوایج و المواعظ نقل کرده است. نهبی (سیر اعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۴۴۵) از نعیمی با عنوان فردی ساکن در بغداد (نزلی بغداد) یاد کرده است. احتمالاً شجری نیز در سفری که به بغداد داشته نزد وی اجازه روایت کتاب الزوایج و المواعظ را به سماع اخذ کرده باشد. همان گونه که در مقاله‌ای دیگر اشاره کردیم، کتاب الزوایج و المواعظ عسکری، یکی از متون بسیار مهم در جمع و تدوین سخنان حضرت امیر بوده که متأسفانه تا به حال نسخه‌ای از آن یافت نشده است.^{۱۴} این اثر برای علمان امامی چون شیخ صدوق و ابن طلوس شناخته شده بوده و هر دو مطالبی از آن نقل کرده‌اند. بخش اعظمی از کتاب الاعتبار و سلوة العارفين، نقل روایتی از کتاب الزوایج و المواعظ عسکری است و با توجه به نبودن این کتاب، این نقل قول برای ما اهمیت فراوانی دارد. کثرت این نقل قول‌ها حتی این امکان را فراهم کرده که این مقولات استخراج شود و با عنوان بازمانده‌هایی از کتاب الزوایج و المواعظ منتشر شود که البته کار بسیار ارزشمندی است.

سوی کتاب الزوایج و المواعظ می‌دانیم که شجری حداقل از سه منبع دیگر نیز بهره برده است: کتاب‌های نزه الابصار و محاسن الاثار تألیف ابوالحسن علی بن محمد بن مهدی طبری (مامطبری)؛ کتاب اللؤلؤنیات تألیف مکحول بن فضل نسفی (متوفی ۳۱۸ ق) و کتاب نسب آل ابي طالب یحیی بن حسن بن جعفر عقیقی (متوفی ۲۷۷ ق).

ابن عساکر (متوفی ۵۷۳ ق) در کتاب بسیار مهم خود تبیین کذب المفتری فیما نسب الی الامام ابي الحسن الانشعری (بیروت ۱۴۰۴ / ۱۹۸۴)، ص ۱۱۵-۱۹۶ در ضمن شاگردان ابوالحسن اشعری (متوفی ۳۳۴ ق) از عالم شافعی ابوالحسن علی بن محمد بن مهدی طبری نام برده و گفته که وی در بصره چند گاهی نزد اشعری شاگردی کرده و از او بهره برده است (اخذ منه و تخرج به و اقتبس منه). از جمله آثار مهم وی که به گمان ابن عساکر، نشان دهنده دانش وسیع طبری است کتاب وی در تلوین احادیث در باب صفات خلایق مورد اعتراض معتزله بوده است.^{۱۵} در ادامه ابن عساکر چند بیت از اشعار طبری را نقل کرده است. کتاب کمتر شناخته شده‌ای از این عالم شافعی به نام نزه الابصار و محاسن الاثار به صورت خطی در کتابخانه واتیکان به شماره ۱۱۴۷، رساله دوم مجموعه باقی مانده است که نخستین بار آقای حسن انصاری قمی در مقاله‌ای از اهمیت آن سخن گفته‌اند.^{۱۶} همچنین این کتاب تنها منبعی است که شجری به نام آن در چند مورد نیز تصریح کرده است. شجری از این کتاب روایاتی را به نقل از روایان آن یعنی ابوجعفر محمد بن قاسم حسنی نسابه ابوجعفر محمد بن عبدالحمید طبری و ابومحمد عبدالله بن محمد رویانی استخراج کرده است. البته مواردی که شجری از این کتاب نقل کرده فروتر از مواردی است که وی به آن تصریح

می‌توان حدود تاریخ تولد شجری را حدس زد. مصحح محترم کتاب المراثب با استناد به سخن بستی در هنگام نقل شعری از صاحب بن عباد (متوفی ۲۸۵) که دال بر حیات صاحب دارد تاریخ تألیف رساله وی را قبل از ۲۸۵ دانسته است.^{۱۷} شواهد دیگری نیز در کتاب المراثب موجود است که بر اساس آنها می‌توانیم به نحو

دقیق‌تری تاریخ تألیف کتاب المراثب را تعیین کنیم. بستی در بحث از سلطات حسنی و حسینی، از امام زیدی ابوعبدالله محمد بن حسن داعی (متوفی ۳۶۰ ق) یاد کرده و از بیعت با وی با عنوان امام سخن گفته و در ادامه از فقیه زیدی الناطق بالحق ابوالحسن احمد بن حسین هارونی (متوفی ۴۱۱ ق) با لفظ امام یاد کرده است.^{۱۸} درباره تاریخی که هارونی قیام کرده است اطلاع دقیقی نداریم، اما با توجه به بیعت قاضی عبدالجبار معتزلی (متوفی ۴۱۵ ق) با وی و دانستن این مطلب که عبدالجبار در محرم ۳۶۷ در ری به منصب قاضی القضاتی توسط صاحب بن عباد منصوب شد و قبل از آن در اصفهان بوده است می‌توانیم تاریخ قیام هارونی را حدود ۳۶۷ بدانیم.^{۱۹} بر این اساس تاریخ تألیف کتاب المراثب بستی بعد از درگذشت ابوعبدالله داعی (متوفی ۳۶۰ ق) و حدود ۳۶۷ ق است. با این حال اشکالاتی در تعیین تاریخ تولد شجری بر اساس عبارت بستی وجود دارد و آن تاریخ وفات برخی از مشایخ شجری است. شجری از اسماعیل بن عباس بن مهران وراق (متوفی ۳۳۳ ق) مطالبی نقل کرده که طبعاً اگر حداقل سن لازم برای روایت مطالبی را برای او در نظر بگیریم، تاریخ تولد شجری را حدود ۲۲۰ یا ۲۲۵ باید بدانیم.^{۲۰} در این صورت باید عبارت بستی در اشاره به سن شجری - که البته با توجه به ادامه جمله وی این استنباط دقیق‌تر است - حدود چهل یا اندکی فروتر بدانیم.^{۲۱}

اطلاعاتی که در منابع رجالی در شرح حال شجری آمده اندک است و مطالب چندانی درباره مشایخ حدیثی او دربر ندارد. خوشبختانه متن مسند کتاب الاعتبار و سلوة العارفين شجری این امکان را به ما می‌دهد تا فهرست تقریباً کاملی از مشایخ وی را به دست آوریم.^{۲۲} پیش از بحث از مشایخ شجری، لازم است به علت تألیف کتاب الاعتبار و سلوة العارفين اشاره‌ای کنیم، چرا که این موضوع با بحث از مشایخ حدیثی شجری ارتباط دارد. شجری در آغاز کتاب خود (ص ۲۹) و در اشاره به دلیل نگارش کتاب الاعتبار می‌نویسد: «... فقد سألت املاء مختصر فی المواعظ عن اشتات الناس و نبذ من فنون ما نقل عن امیرالمومنین علی بن ابي طالب و اهل البیت علیهم السلام...». بر اساس این عبارت در می‌یابیم که شجری در پاسخ به سؤال فردی، تصمیم به گردآوری مواعظ و سخنان وعظ گونه روایت شده از امیرمؤمنان علی علیه السلام و اهل بیت گرفته و طبعاً برای تألیف کتابی در این باب باید از منابعی که اطلاعاتی این گونه در برداشته باشد بهره گرفته باشد. تأمل در فهرست نام مشایخ روایی وی نیز مؤید این مطلب است که شجری از آثار متعددی بهره گرفته و روایات فراوانی را از متون مختلف حدیثی اخراج کرده است.

از مهم‌ترین مشایخ حدیثی شجری، عالم شافعی ابوالحسن علی بن احمد بن



کرده و در مقایسه‌ای اجمالی که میان کتاب الاعتیار شجری و نسخه خطی کتاب نزهه الابصار داشتیم مواردی وجود داشت که شجری بدون اشاره به طبری از کتاب وی نقل مطلب کرده بود.^{۱۹}

اثر دیگری که شجری از آن بهره برده کتاب اللؤلؤنیات فی الزهد و الادب تألیف عالم نامور حنفی خراسانی مکحول بن فضل نسفی (متوفی ۳۱۸ ق) است. کهن‌ترین شرح حال درباره مکحول بن فضل، شرح حال وی است که ابوالعباس مستغفری (متوفی ۴۳۲ ق) در تاریخ نسف آورده است. ذهبی (سیر اعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۲۳) شرح حال نسفی را به نقل از تاریخ نسف آورده و به نقل از مستغفری گفته که نام وی محمد بن فضل بوده است و مکحول لقب او بوده هر چند که شهرت

وی به لقب است. تاریخ وفات ۳۱۸ مکحول بن فضل در سیر اعلام النبلاء به ۳۰۸ تصحیف شده است. اثر مشهور نسفی، کتاب اللؤلؤنیات فی الزهد و الادب است که در چندین نسخه خطی باقی مانده است. شجری روایاتی از این کتاب به روایت ابوعلی عبدالرحمن بن محمد بن احمد بن فضاله نیشابوری از مکحول نقل کرده است.^{۲۰}

اثر دیگری که بیشترین نقل قول از آن را شجری در بخش‌های انتهایی کتاب خود آورده کتاب نسب آل ابي طالب تألیف نسابة مشهور یحیی بن حسن بن جعفر بن حسین عقیقی (متوفی ۲۷۷ ق) است. کتاب نسب آل ابي طالب او، جامع‌ترین و ظاهرأ نخستین اثر در باب انساب سادات بوده است.^{۲۱} این اثر تا قرون ششم و هفتم باقی بوده و نقل قول‌هایی از آن در منابع انساب دیده می‌شود. شجری طریق خود به این کتاب را در چند مورد نقل کرده گرچه اغلب با عباراتی چون یحیی بن الحسنی صاحب الانساب (ص ۶۳۸)، عن یحیی بن الحسن (ص ۶۶۰)، اخبرنا عن مشایخنا عن یحیی بن الحسن (ص ۶۶۳)، و حدثنا عن یحیی بن الحسن مشایخی (ص ۶۶۸) نقل قول کرده است. طریق شجری در نقل مطلب از کتاب عقیقی چنین است: «(۱) اخبرنا ابوطالب یحیی بن الحسن [الهارونی] عن ابيه عن ابي محمد الحسن بن محمد بن یحیی [قال] حدثنا یحیی بن الحسن؛ و (۲) اخبرنی ابوجعفر محمد بن الحسن بن زهیر [قال] اخبرنا ابوالحسن علی بن محمد بن علی بن متویه القلانسی [قال] حدثنا ابومحمد [الحسن بن] محمد بن یحیی [قال] حدثنا جدی یحیی بن الحسن بن جعفر...». (ص ۶۵۰، ۶۵۲، ۶۶۶).

احمد بن حرب نیشابوری (متوفی ۲۳۴)، فضیل بن عیاض^{۲۵} (متوفی ۱۸۷ ق)، حاتم اصم^{۲۶} (متوفی ۲۴۷ ق) و عارفان دیگری نقل کرده است. همچنین شجری اشعار عرفانی فراوانی را نقل کرده که با توجه به قدمت کتاب برای تحقیق درباره شکل‌گیری و تکوین شعر عرفانی خراسان اهمیت بسیاری دارد. شجری خود نوق شعری داشته و در مواردی اشعاری که خود سروده نیز نقل کرده است (ص ۶۲-۶۳، ۷۴، ۷۵، ۹۳، ۲۰۷، ۲۲۰، ۲۵۶، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۹۲، ۴۰۹، ۴۲۲، ۵۴۰).

از حیث اهمیت این کتاب در نقل مسند سخنان حضرت امیر و اساساً توجه شجری به سخنان اهل بیت تذکر مطالبی ضروری است. از میان خطبه‌هایی که شجری از حضرت امیر نقل کرده نقل سخنان

آن حضرت به کمال (ان هذه القلوب اوعیه) (ص ۱۴۷-۱۴۹)؛ خطبه همام (ص ۵۵۳-۵۵۵)؛ وصیت‌نامه مشهور حضرت امیر به فرزندانشان امام حسن مجتبی علیه السلام (من الوالد الفانی المقر للزمان) (ص ۵۵۹-۵۷۳)؛ نامه آن حضرت به محمد بن ابي بکر (ص ۵۸۴-۵۹۷) را می‌توان نام برد که شجری اغلب این مطالب را در بخشی با عنوان «باب فی فنون کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام» (ص ۵۵۳-۶۴۹) گردآوری کرده است. نقل قول اشعار منتسب به حضرت علی علیه السلام نیز از جمله مسائل با اهمیت کتاب با توجه به قدمت آن است (ص ۵۷، ۶۳، ۸۱، ۱۲۳، ۵۸۲-۵۸۳، ۵۹۹، ۶۰۲، ۶۱۱-۶۱۲، ۶۲۲-۶۲۳). گاهی شجری این اشعار را به نقل از ابن ابیاری یا ابن درید از قول حضرت نقل کرده است که البته این موارد در اصل برگرفته از کتاب نزهه الابصار بدون اشاره به آن است (ص ۶۰۱، ۶۱۳) و در مواردی اشعاری که حضرت می‌خوانده که الزاماً سروده خود آن حضرت نبوده را نیز نقل کرده است (ص ۶۰۱، ۶۱۱). همچنین شجری اشعاری از امام زین العابدین (ص ۵۹)، اشعاری از ابوطالب (ص ۶۵۰-۶۵۱)، قصیده مشهور فرزق در مدح امام سجاده (ع) (ص ۶۲۴-۶۲۵) (هنا الذی تعرف البطحاء وطاته)، اشعاری از قاسم بن ابراهیم رسی^{۲۷} (متوفی ۲۴۶ ص ۱۱۴)، دعبل خزاعی (ص ۱۳۱، ۶۲۷)، کمیت (ص ۶۲۶)، بعض الملویین (ص ۷۸)، شمری از ابوالحسن علی بن عبدالعزیز جرجانی (متوفی ۳۹۲ ص ۱۴۳-۱۴۴)، تضمین گفته امام علی علیه السلام «قیمة کل امری ما یحسنه» از شریف معمر ابوالحسن یحیی بن طباطبا (متوفی ۴۷۸) (ص ۵۸۳) را نقل کرده است که برای محققان این حوزه اهمیت فراوانی دارد.

شجری اقوال عرفانی فراوانی را با عبارات «و فی بعض کتب اهل البیت» (ص ۵۸)، «و روی فی بعض مواضع اهل البیت» (ص ۵۸، ۶۹، ۷۴، ۷۹، ۸۷، ۹۰، ۹۲، ۹۶، ۱۰۴، ۱۱۴، ۱۲۰، ۱۴۲، ۱۶۱، ۱۶۷، ۱۶۸، ۲۶۹، ۲۷۴، ۲۸۹، ۲۹۹، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۶۸، ۳۸۷، ۴۰۰، ۴۶۵، ۵۰۵، ۵۲۸، ۵۷۵، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۳) نقل کرده است. مصحح محترم کتاب عبدالسلام بن عباس الوجیه^{۲۸} در مقدمه کتاب (ص ۲۱-۲۵) از نسخه‌های اساس کار خود سخن گفته است که جملگی استسخا‌هایی از نسخه‌ای از این کتاب است که قاضی جعفر بن عبدالسلام مسوری (متوفی ۵۷۳ ق) در سفر خود به نواحی جبال نزد محمد بن حسن ذنک الانونی از طریق شاگرد شجری، حسن بن علی بن اسحاق خرزادی از شجری اجازه روایت آن را اخذ کرده است (نیز بنگرید به حمیدبن احمد محلی، محسن الازهری، ص ۳۰۸). با وجودی که مصحح در پاورقی، اشارات کافی در شرح حال رجال سند احادیث و افراد مذکور در متن کتاب آورده‌اند اما در مجلدی جداگانه

نکاتی درباره اهمیت کتاب الاعتیار و سلوة العارفين^{۲۹}

از مسائل مورد توجه عرفان پژوهان خراسان، متونی است که اقوالی از عارفان خراسانی نقل کرده است. در میان متون متداول، طبقات الصوفیه ابوعبدالرحمن سلمی (متوفی ۴۰۳ ق)؛ حلیة الاولیاء ابونعیم اصفهانی (متوفی ۴۳۰ ق)؛ و اللع سراج (متوفی ۳۷۸ ق)، از مهم‌ترین تالیفات حاوی اقوال عرفانی به زبان عربی است. همچنین کتاب تعرف کلابذی (متوفی ۳۸۰ ق) و شرح رساله قشیریه از قشیری (متوفی ۴۶۵ ق) را باید مهم‌ترین متون فارسی نگاشته شده در این موضوع دانست. یکی از جنبه‌های با اهمیت کتاب الاعتیار، در نقل برخی از اقوال عارفان خراسانی است که ظاهرأ در منابع یاد شده نیامده است و از حیث حجم نیز این مطالب جالب توجه است. شجری از میان عارفان صوفی خراسانی، اقوالی را از یحیی بن معاذ (متوفی ۲۵۸ ق)^{۳۰}



است. متن این رساله را عبدالله اسماعیل هاشم الشریف (صنعا، ۱۴۲۲ ق) به چاپ رسانده است. مهم‌ترین ویژگی این کتاب نقل وصیتی از جنیدبن محمد است (ص ۶۰-۶۳). حمیدبن احمد محلی (متوفی ۶۵۲ ق) نیز در کتاب الحدائق الوردیه فی مناقب ائمه الزیدیه ج ۲، ص ۱۴۶-۱۵۵، بخش اعظمی از کتاب سیاست‌المریدین را نقل کرده است. برای گزارش جامعی از روابط صوفیه و عالمان زیدی در یمن بنگرید به: عبدالله محمد الحیسی، الفقهاء و الصوفیه فی الیمن (صنعا ۱۳۹۶ ق). ویلفرد مادلونگ نیز در مقاله‌ای که درباره ارتباط زیدیه با تصوف نگاشته، اساس کار خود را کتاب حبشی قرار داده است. ر. ک:

Wilferd Madelung, "Zaydi Attitudes to Sufism," in: de Jong and Bernad Radtke eds., *Islamic Mysticism* Fredrick

Thirteen Centuries of Controversies and Polemics Contested

(E. J. Brill, Leiden 1999), pp. 124-141.

۳. به عنوان مثال می‌توان به رساله سیاست‌النفوس امام قاسم بن ابراهیم رسی (متوفی ۲۴۶ ق) اشاره کرد. این رساله به طور مستقل نیز به چاپ رسیده است. همچنین بخش اعظمی از این رساله را حمیدبن احمد محلی (متوفی ۶۵۲ ق) در کتاب الحدائق الوردیه فی مناقب ائمه الزیدیه ج ۲، ص ۲۰-۲۴ آورده است. ابوطالب یحیی بن حسین هارونی (متوفی ۴۲۴ ق) نیز در کتاب الاذنه فی تاریخ الائمة السادة (ص ۹۰) در اشاره به زهد قاسم بن ابراهیم می‌نویسد: «و أما زهده علیه السلام فمما اتفق علیه الموافق والمخالف، و من احب ان يعرف طریقته فیه، فلینظر فی کتابه فی سیاست‌النفوس و كان الناصر رضی الله عنه اذا ذكره یقول: زاهد خشن». نیز درباره زهد قاسم بن ابراهیم و دیگر امامان زیدی ر. ک: هارونی، همان، ص ۹۸-۹۹، ۱۰۲. هارونی در اشاره به یحیی بن حسین بن ابراهیم بن قاسم رسی (متوفی ۲۹۸) و زهد او می‌نویسد: «قاما الزهد و الورع فمما لا یحتاج الی وصفه به... لأن الزهد امر شامل لیبیت القاسم بن ابراهیم». ۴. از آثار صوفیانه عالمان زیدی یعنی می‌توان به کتاب‌های تصفیة القلوب از یحیی بن حمزه (متوفی ۲۴۹ ق)، کتاب کنز الإرشاد و کتاب نبذة فی علم الطریقه تألیف عزالدین بن حسن (متوفی ۹۰۰ ق)، کتاب صله الاخوان از یحیی بن مهدی (متوفی ۷۹۳ ق) و کتاب منهیل السادة فی ماکان علیه بعض صفوه السادة من الذکر و الورد و العبادة از فقیه و مفسر زیدی معاصر علی بن محمد العجری (متوفی ۱۴۰۷ ق) اشاره کرد.

۵. یحیی بن الحسن هارونی، الاذنه فی تاریخ الائمة السادة تحقیق ابراهیم بن مجدالدین بن محمد المؤیدی و هادی بن حسن بن هادی الخمری (صنعه، ۱۴۲۲ ق)، ص ۷۶، ۱۲۰. هارونی در شرح حال ناصر اطروش (متوفی ۲۰۴ ق) اشاره کرده است: «و عرض الاسلام علی من بقی منهم علی الکفر، ثم حرج الی جیلان و ابتداء یعرض الاسلام علی البجیل الذین هم الی جانب الدیلم... و هم کفار، فأسلموا کلهم علی یدیه و طهروا». ابوالقاسم بسنی نیز در کتاب المراتب (ص ۱۶۳) در اشاره به فعالیت ناصر اطروش در اشاعة اعلام در دیلمان می‌نویسد: «اسلم علی یده ألف ألف نسمة، ممن كان یعبدا الشجر...»

۶. برای مثال می‌توان از عالم نامدار زیدی ابوزید عیسی بن محمد علوی (متوفی ۳۲۵ ق) ساکن در ری نام برد که ابوالعباس علی بن عباس حسنی از او به عنوان شیخ و بزرگ علویان ری یاد کرد. و در سال ۲۲۳ به نزد وی رسیده است. ر. ک: حمیدبن احمد محلی، الحدائق الوردیه ج ۲، ص ۳۰. درباره این عالم زیدی و کتاب مهم وی به نام الاشهاد و نقد آن توسط عالم امامی ابن قبه ر. ک: سید حسین مدرسی طباطبایی، مکتب در فرآیند تکامل: نظری بر تطور مبانی فکری شیخ در سه قرن نخستین، ترجمه هاشم ایزد پناه (نیوجرسی، ۱۳۷۴)، ص ۲۰۳ به بعد: حسن انصاری قمی، ابوزید علوی و کتاب او در دامامیه، معارف دوره هفدهم، شماره ۱ (فروردین - تیر ۱۳۷۹)، ص ۱۲۵-۱۲۹.

۷. درباره شجره به نحو عام بنگرید به: مجدالدین بن محمد بن منصور الحسینی المؤیدی، لوائح الاثوار فی جوامع العلوم و الآثار و تراجم اولی الفلم و الأنظار (صنعه: مکتبه التراث الاسلامی، ۱۴۱۴/۱۹۹۳)، ج ۱، ص ۴۱۲-۴۱۶؛ همو، التحف شرح الزلف (مکتبه بدر، صنعا ۱۴۱۷)، ص ۲۲۲-۲۲۳. یحیی بن حسین المرشد بالله، سیره الائمة المؤید بالله ص ۴۴؛ حمیدبن احمد محلی، الحدائق الوردیه فی مناقب ائمه الزیدیه تحقیق مرتضی بن زید المحطوری الحسینی

به نام معجم رجال الاعتبار و سلوة العارفين، شرح حال کامل رجال مذکور در سلسله اسناد و متن کتاب الاعتبار را آورده‌اند. بی‌تردیبه کتاب حاضر را باید یکی از مهم‌ترین متون زیدیه ایران دانست که مؤسسه امام زیدین علی تاکنون منتشر کرده است. امید که این مؤسسه کار تصحیح و چاپ متون زیدی را ادامه داده و در آینده شاهد چاپ آثار دیگری از زیدیه، خاصه زیدیه ایران باشیم. زحمت و تلاشی که مصحح در امر تصحیح کتاب بردماند ستودنی است و شایسته تکریم و سپاس.

بی‌نوشت‌ها:

۱. مهم‌ترین مطالعاتی که درباره عرفان و تصوف خراسان انجام شده آثار زیر است که جملگی تحقیقات مهم خانم زاکلین شابی است:

Jacqueline Chabbi, "Remarques sur Le developpement historique des mouvements ascetiques et mystiques an khurasan", *Studia Islamica* 46 (1977), pp. 5-72; idem, et "Soufisme", *Etudes arabes, Analyses theorie* 1979, pp. "Histoire

236-248; idem, "Iyad, un precurseur du Hanbalisme Bulletin des Etudes Orientales 30 (1978), pp. 331-345 (178/803),"

idem, "Reflexions sur Le soufisme Iranien primitif", *Journal Asiatique* 266 (1978), pp. 37-55.

موضوع دیگر مورد توجه محققان درباره عرفان خراسان، تفسیرنگاری عرفانی است. از مهم‌ترین آثاری که در این باره تألیف شده، می‌توان موارد زیر را یاد کرد:

S. Ates, *Isari tefsir Okulu*, Ankara 1974; idem, *suelemi ve tusauvufi tefsiri*, Istanbul 1969

(سلیمان آتش، محقق ترک زبانی است که آثار مهمش درباره مکتب تفسیری خراسان است. کتاب نخست وی با عنوان مکتب تفسیر اشاری، ترجمه توفیق سبحانی (تهران، ۱۳۸۱) به فارسی ترجمه شده است اما کتاب مهم دیگر وی، سلمی و تفسیر صوفیانه تاکنون به فارسی ترجمه نشده است)

G. Bowering, *The mystical vision of existence in classical Islam: The quranic hermeneutics of the sufi sahl at-Tustari* (d. 283/896), Berlin 1980; idem, "The Quran Commentary of al-Sulamī", in W. Hall aq and D.P. Little (eds.), *Islamic Studies Presented to Charles J. Adams*, Leiden 1991, pp. 41-56;

(گرهارد باورینگ، قرآن پژوه معاصر است که پایان‌نامه دکتری وی درباره تفسیر عرفانی سهل تستری (متوفی ۲۸۳) بوده است. وی در ادامه تحقیقات خود به سلمی و آثار تفسیری وی حقائق التفسیر و زیادات حقائق التفسیر علاقه‌مند شده است. وی در حال تحقیق متن درحقائق التفسیر است و متن زیادات حقائق التفسیر را براساس یگانه نسخه خطی آن به چاپ رسانده است)

Claude Gilliot, "Les Scierces Coraniques chez les Karrumites du Khorasan: Le Livre des fon dations", *Journal Asiatique* 288 (2000), pp. 15-81; " Rashid Ahmad Jullandri, " Abu al Qasim al-Qushairi as a theologian and Commentator, *Islamic Quarterly* 13 (1969).

بنگرید به: حسن انصاری قمی، «وصیت جنید بغدادی» و «یادداشتی کوتاه درباره سیاست‌المریدین»، معارف دوره هفدهم، شماره ۲ (مرداد- آبان ۱۳۷۹)، ص ۱۴۱-۱۴۷. کتاب سیاست‌المریدین از آثار عرفانی تألیف عالم زیدی المؤید بالله احمدبن حسین هارونی (متوفی ۴۱۱ ق)



d'une bibliotheque privee
Provenant
a la maison E.J. Brill,
a El-Medina, appartenant
215; P. Voorhoeve, Handlist of
Leiden 1883, no.
in the Library of the University
Arabic Manuscripts
of Leiden 1957, p. 395.



(صنعا، ۱۴۲۳) ج ۲، ص ۱۲۹ - ۱۳۰: اسماعیل بن احمد البستی، کتاب المراتب فی فضائل امیرالمؤمنین و سید الوصیین علی بن ابی طالب صلوات الله علیه تحقیق محمدرضا انصاری قمی (قم، ۱۴۲۱)، ص ۱۶۶ - ۱۶۷. عبدالله بن حمزه (متوفی ۶۱۴ ق) در کتاب مهم الشافی خود (ج ۱، ص ۳۳۷) از کتاب المراتب بستی در شرح حال الموفق بالله شجرى البتیه بدون تصریح نقل کرده است، البتیه با تغییرات مختصری، عبدالسلام بن عباس الوجیه، اعلام المؤلفین الزیدیه (عمان: مؤسسه الامام زیدین علی التقایه ۱۴۲۰)، ص ۳۶۶: حسن انصاری قمی، کتابهای صوفیانه زیدیان ایرانی و یمینی، آینه میراث سال چهارم، شماره ۳ (زمنستان ۱۳۸۰)، ص ۲۵ - ۲۶: محمد کاظم رحمتی، بازماندههایی از کتاب الزواجر و المواعظ، آینه پژوهش، شماره ۸۴، بهمن - اسفند ۱۳۸۲، ص ۸۴ - ۸۵.
۸. درباره ابوالقاسم بستی. ر. ک:

Stern, "Abu L-Qasim Al-Busti and His Refutation of S.M. Journal of Royal Asiatic Society 1961, PP. 14-35. Ismailism."

۹. بستی، کتاب المراتب ص ۱۶۶ - ۱۶۷. داستان بستی و مقایسه‌ای که او میان ابوبکر و علی علیه السلام کرده که به بروز فتنه‌ای در اصل از سیره المؤید بالله اخذ شده است. ر. ک:

یحیی بن حسین الجرجانی الشجرى المرشد بالله (متوفی ۴۹۹ ق)، سیره الامام المؤید بالله احمدین حسین الهارونی، تحقیق صالح عبدالله احمد قربان (صنعا، ۱۴۲۴/۲۰۰۳)، ص ۷۸.
۱۰. یکی از نکاتی که مورد توجه محقق کتاب المراتب قرار نگرفته، الحاقی بودن برخی عبارات ترفیه است که از افزوده‌های کتابان نسخه بوده است. این موارد عبارت‌اند از: صفحه ۲۷ عبارت ترفیه برای صاحب بن عباده؛ صفحه ۱۶۶ عبارت ترفیه برای سیدمرتضی؛ صفحه ۱۶۷ عبارت ترفیه برای الموفق بالله. ظاهراً عبارت ترفیه در صفحه ۱۶۶ برای المؤید بالله نیز الحاقی ناسخان باشد.

۱۱. درباره ابوعبدالله داعی بنگرید به: یحیی بن حسین الهارونی، الاغانی فی تاریخ الائمة الساده (ص ۱۳۷ - ۱۵۰)، حاکم جشمی در شرح عیون المسائل (ص ۳۷۱ - ۳۷۵)، اغلب مطالب خود درباره ابوعبدالله داعی را از هارونی نقل کرده است. بخشی از کتاب شرح عیون المسائل در ضمن کتاب فضل الاعتزال و طبقات المعتزله به چاپ رسیده است.

12. See Encyclopaedia Iranica, Vol. 1. S.V "Abd Al-Jabbar." (by wilferd Adenlung).

همچنین بنگرید به ماجرابی که ابن طقطقی (متوفی ۷۰۹ ق) در کتاب الاصل فی انساب الطالبیین، تحقیق سید مهدی رجایی (قم، ۱۴۱۸ ق) ص ۱۳۹ - ۱۴۰ درباره علت قیام ابوالحسنین هارونی در زمان صاحب بن عباده نقل کرده است.

۱۳. برای روایت شجرى از این عالم سنی مذهب. ر. ک: الاعتبار و سلوة العارفين، ص ۸۸.
۱۴. کتاب کلامی که بستی از جمله آثار شجرى نام برده، کتاب الاحاطه فی علم الکلام است که به صورت نسخه‌های خطی باقی است. ر. ک: عبدالسلام بن عباس الوجیه، مصادر التراث فی المكتبات الخاصة فی اليمن (صنعا، ۲۰۰۲/۲۰۰۲)، ج ۱، ص ۴۷۲. در کتابخانه لینن، نسخه‌های کهن از شرح عیون المسائل وجود دارد که شامل جلد اول و سوم است و به جای جلد دوم، بخشی از کتابی به نام الاحاطة قرار داده است. این مورد توجه نخستین فهرست‌نگار این کتابخانه، لندبرگ قرار نگرفته، اما ورهوهه متوجه این مطلب شده است. ر. ک:

C. Landsberg, Catalogue des manuscrits arabes

۱۵. برای گزارشی از شاخ شجرى ر. ک: مقدمه عبدالسلام بن عباس الوجیه بر کتاب الاعتبار و سلوة العارفين، ص ۱۰ - ۱۲.

۱۶. درباره شرح حال عسکری بنگرید به سیر اعلام النبلاء، ج ۱۶ ص ۴۱۳ - ۴۱۵ و فهرست منابعی که محقق کتاب، خانم اکرم البوشی، در صفحه ۴۱۳ ذکر کرده‌اند.

همچنین به سیر اعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۳۰۱ - ۴۴۵، برای اطلاع از نام برخی شاگردان عسکری مراجعه شود. شرح ابوالحسن علی بن احمد بن حسن بن محمد نعیمی نیز در سیر اعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۴۴۵ - ۴۴۷ آمده است. محقق کتاب برخی مصادر دیگر که شرح حال نعیمی را آورده‌اند، در پانوشت صفحه ۴۴۵ ذکر کرده است. همچنین درباره نعیمی ر. ک: تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۳۳۰ - ۳۳۱: سمانی، الانساب، ج ۵، ص ۵۱۱ - ۵۱۲. نعیمی از راویان واسع المعقیده بوده است. خطیب بغدادی (تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۸۵) به روایت او از عالم امامی ابوالفضل شیبانی (متوفی ۳۸۷) اشاره کرده است. درباره کتاب الزواجر و المواعظ ر. ک: توضیحات نگارنده این سطور در مقاله بازماندههایی از کتاب الزواجر و المواعظ منتشر شده در شماره ۸۴ مجله آینه پژوهش.

۱۷. شرح حال طبری در منابع مختلف به صورت بسیار مختصر آمده است. ر. ک: سبکی، طبقات الشافیه الکبری، ج ۳، ص ۴۶۶: عیادی، طبقات الفقهاء الشافیه، ص ۸۵: خلیل بن ابیک الصغدی، کتاب الوافی بالوفیاته چاپ رمزی بعلبکی (بیروت ۱۴۰۴/۱۹۸۳)، ج ۲۲، ص ۱۴۳.

ابن عساکر از کتاب طبری با عنوان کتاب المنثور فی تأویل الاحادیث المشکلات الوارده فی الصفات یاد کرده است. سزگین در شرح حال طبری اشاره کرده که نسخه‌ای از این کتاب با عنوان تأویل الآیات المشکله الموضحه و بیانها بالحجة و البرهان یاد کرده که در کتابخانه طلعت پاشا قاهره، مجموعه ۴۹۱ (برگ‌های

قرن دوازدهم باقی است. تاریخ التراث العربی، المجلد الاول، الجزء الرابع، ص ۴۵. با وجودی که طبری از عالمان زیدی مذهب روایت کرده، در عقاید خود اشعری باقی مانده و حداقل در مطالبی که از او نقل شده تأییری از این جهت قابل مشاهده نیست. برای مثال قرطبی (متوفی ۶۷۱ ق) در الجامع لاحکام القرآن (ج ۷، ص ۲۷۹) در بحث از رویت باری، استدلالی از طبری نقل کرده که همان استدلال مشهور عالمان اشعری است که اگر رویت خداوند غیرممکن بوده، موسی نباید آن را از خداوند طلب می کرده است. همچنین محمدبن نصرحارمی در کتاب من تراث شبه جزیره العرب: مناظره بین علماء مکه و علماء نجد، تحقیق محمد زینهم محمد عزب و محمد سید عبدالنفرار (قاهره ۱۴۱۴/۱۹۹۴)، ص ۲۷۷ - ۲۷۸، بخشی از کتاب مشکل الآیات طبری در نقد استدلال معتزله (ابوالقاسم بلخی) در معنی تنزیهی استواء در آیه الرحمن علی العرش استوی آورده است.

۱۸. حسن انصاری قمی، نهج البلاغه پیش از نهج البلاغه، نشر دانش سال ۱۹، شماره اول، بهار ۱۳۸۱، ص ۶۳ - ۶۶. شایان ذکر است که این کتاب را آقای محمدباقر محمودی در دست تحقیق دارند.

۱۹. برای موارد نقل قول شجرى از کتاب نزهة البصار. ر. ک: الاعتبار و سلوة العارفين، ص ۶۰۳، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۵۰، ۶۵۲، مواردی از مقایسه بین نسخه خطی نزهة البصار و کتاب الاعتبار را در این جا ذکر می‌کنم. نزهة البصار برگ‌های b-

بن شاذان قال اخبرنا الشريف ابو محمد الحسن بن يحيى النسابة صاحب كتاب النسب قال اخبرني جدى يحيى النسابة بن الحسن بن جعفر...» (ص ۶۹-۷۰، ۸۵، ۸۹، ۹۰، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۵۴، ۳۱۰).

در موارد ديگر اين طقطقى سلسله سند را به هنگام نقل مطلب ذکر نکرده است. الاصيلي، ص ۶۲، (قال يحيى بن الحسن بن جعفر)، ۶۴-۶۸، ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۸، ۸۱، ۸۵، ۹۰، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۴، ۱۵۵، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۴، ۲۳۷، ۳۳۸، ۳۴۱.

اين طقطقى در صفحه ۳۰۷ فهرست محتويات كتاب عقيقى را آورده است. بخشى از اين كتاب عقيقى در نسخه‌اى با عنوان «فيه تسميه من اعقب من ولد اميرالمؤمنين لبنى الحسن على بن ابي طالب عليه السلام» در مؤسسه مطالعات فرهنگ شرقى وابسته به دانشگاه توكيو باقى مانده است كه براساس آن آقاى محمد كاظم محمودى، آن را با عنوان كتاب المعقنين من ولد الامام اميرالمؤمنين (قم، ۱۴۲۲) به چاپ رسانده‌اند. مصحح محترم در مقدمه خود، در معرفى نسخه اساسى خود اشاره نکرده‌اند كه نسخه در اختيار ايشان عكس از نسخه مؤسسه ياد شده بوده است. درباره اين نسخه ر. ك:

H. Daiber, Catalogue of the Arabic Manuscripts in the Daiber Collection, Institute of Oriental Culture, University of Tokyo, Tokyo 1988, p.66.

اين را نيز بيفزايم كه عالم زينى حميدبن احمد (متوفى ۶۵۲) نيز كتاب النسب عقيقى را در اختيار داشته و از آن نقل کرده است. ر. ك: همو، الحدائق الوردية فى مناقب ائمه الزيدية، ج ۱، ص ۱۵۵، ۲۰۱، ۲۳۰، ۲۳۷، ۳۱۶، ۳۱۷.

۲۲. حميدبن احمد محلى از كتاب الاعتبار و سلوة العارفين در چندين مورد نقل قول کرده و در يك جاز كتاب الاحاطة فى علم الكلام شجرى نيز به تكريم نام برده است. ر. ك: حميدبن احمد محلى، محاسن الازهار، ص ۱۶۴، ۳۰۸، ۵۰۷.

۲۳. الاعتبار و سلوة العارفين، ص ۱۱۵، ۳۲۸، ۳۴۷، ۳۸۱، ۳۹۳، ۴۲۰، ۴۲۴، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۶۵، ۴۷۸، ۴۸۰، ۴۸۵، ۵۱۸، ۵۲۶، ۵۳۵، ۵۴۸، ۵۵۰، ۵۵۱.

۲۴. الاعتبار و سلوة العارفين، ص ۳۱۸، ۳۴۸-۳۴۹. درباره شرح حال احمدبن حرب ر. ك: تاريخ بغداد، ج ۴، ص ۳۴۰-۳۴۱. احمدبن حرب از عارفان مورد توجه كراميه بوده است. ر. ك: يوسف قان اس، متونى درباره كراميه، معارف دوره نهم، شماره ۱، (فروردين - تير ۱۳۷۱)، ص ۵۰.

۲۵. الاعتبار و سلوة العارفين، ص ۴۳۰، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۴۸۶، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸، ۱۴۸۹، ۱۴۹۰، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳، ۱۴۹۴، ۱۴۹۵، ۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۴۹۸، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۴، ۱۵۰۵، ۱۵۰۶، ۱۵۰۷، ۱۵۰۸، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۱۱، ۱۵۱۲، ۱۵۱۳، ۱۵۱۴، ۱۵۱۵، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۱۸، ۱۵۱۹، ۱۵۲۰، ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶، ۱۵۲۷، ۱۵۲۸، ۱۵۲۹، ۱۵۳۰، ۱۵۳۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۳، ۱۵۳۴، ۱۵۳۵، ۱۵۳۶، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۳۹، ۱۵۴۰، ۱۵۴۱، ۱۵۴۲، ۱۵۴۳، ۱۵۴۴، ۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۷، ۱۵۴۸، ۱۵۴۹، ۱۵۵۰، ۱۵۵۱، ۱۵۵۲، ۱۵۵۳، ۱۵۵۴، ۱۵۵۵، ۱۵۵۶، ۱۵۵۷، ۱۵۵۸، ۱۵۵۹، ۱۵۶۰، ۱۵۶۱، ۱۵۶۲، ۱۵۶۳، ۱۵۶۴، ۱۵۶۵، ۱۵۶۶، ۱۵۶۷، ۱۵۶۸، ۱۵۶۹، ۱۵۷۰، ۱۵۷۱، ۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۷۵، ۱۵۷۶، ۱۵۷۷، ۱۵۷۸، ۱۵۷۹، ۱۵۸۰، ۱۵۸۱، ۱۵۸۲، ۱۵۸۳، ۱۵۸۴، ۱۵۸۵، ۱۵۸۶، ۱۵۸۷، ۱۵۸۸، ۱۵۸۹، ۱۵۹۰، ۱۵۹۱، ۱۵۹۲، ۱۵۹۳، ۱۵۹۴، ۱۵۹۵، ۱۵۹۶، ۱۵۹۷، ۱۵۹۸، ۱۵۹۹، ۱۶۰۰، ۱۶۰۱، ۱۶۰۲، ۱۶۰۳، ۱۶۰۴، ۱۶۰۵، ۱۶۰۶، ۱۶۰۷، ۱۶۰۸، ۱۶۰۹، ۱۶۱۰، ۱۶۱۱، ۱۶۱۲، ۱۶۱۳، ۱۶۱۴، ۱۶۱۵، ۱۶۱۶، ۱۶۱۷، ۱۶۱۸، ۱۶۱۹، ۱۶۲۰، ۱۶۲۱، ۱۶۲۲، ۱۶۲۳، ۱۶۲۴، ۱۶۲۵، ۱۶۲۶، ۱۶۲۷، ۱۶۲۸، ۱